

دوم از بنوة غرض خنک ایشان گفته شد آنگاه آن عوی عایشه
رضی الله عنها روایت کند که چون بخت کرد و در بی خار
بن الخبز و فواکه و پیغمبر علیه الصلوة والسلام بخانه آمد
و مردان و زنان انصار جمع شدند و منی یاد خراکان در بار
بودم و نید بینه بودیم و بران آمد شد میگردیم و هر آن
ورا زود آورد و روی مرا بر آب کوش کرد و در خراکان فرو
شدند و مرا میکشید و بوی میزد بود و زانی فقیر کرد تا
تفس خرساکن شد و بعد از آن مرا به انرونی برد و پیغمبر
علیه الصلوة والسلام را دیدم که بر منی نشسته بود و مرا در کنار
و می نشاند و گفتند این اهل تو است و تمبینه کردند و می پودند
رفتند و خوس شدم و هیچ گوشتند و اشتر خریدم کردند
تا آنکه سعد بن جبار، حنظل از طعام فرستاد و من نه ساله
بودم اما به نیت عیسی روایت کند که من با عایشه بودم
و کا رساوی یکی کردم و او را بخضره رسالت علیه الصلوة والسلام
بردم و چند زن با من بودند و هیچ طعام در آنجا ندیدم الا نذقی
از شیره که رسول صلی الله علیه و سلم ازان با شامید و بعد از آن
با عایشه داد و عایشه بر شرم آمد و می پیچید و من گفتم فرزند
و دست مبارک رسول صلی الله علیه و سلم رو کن و قبول کرد
و با شامید و پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرمود بصاحب خود

روایت کرده است
عایشه رضی الله عنها
که در آن روز
با من بودم
و در آن روز
رسول صلی الله علیه و سلم
با من بود
و در آن روز
رسول صلی الله علیه و سلم
با من بود

موسی
خود
موسی

با پاشان من گفته می خواهم فرمود که لوسلی و روح هم جمع نشود
که با رسول الله الکی اشتباه طوطی داشته باشد و باو بند
می خواهم روح گفته باشد فرمود که روح روح نویسد
و روح بختر بختر و در ای است که عایشه گفت پیش از
عوی رنجور شدم و جویم رنجیده شد و لوز گشت و چون
عایشه چاشنی به حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام
برسد زنان که حاضر بودند گفتند بخیر و بر که وقال بیک عروس
شدی و در ای است که پیغمبر علیه الصلوة والسلام هیچ بگردد
بعد از عایشه زن نخواست و چون وفات فرمود عایشه
هشتاد ساله بود و در ایام معاویه در مدینه در سنه ثمان و هجرت
وفات یافت و در تبعی دفن کردند و شصت و نهم سال عمر
کرد و در آن سال بعد از یک ماه از بخت روز نماز حضرت افزونی
شد و اول نماز حضرت و سفر بصره از نماز شام دور لغت دور لغت
بود و در مسند احمد عایشه روایت کند که اول نماز فرمود
شد دور لغت دور لغت بود الا نماز شام که سه رکعت بود
و بعد از آن حتی غشا نه بر نماز پیشین و پیشین و سخن حضرت
بر بلا دور لغت و بجز زیاد فرمود و نماز سه بر حال خود میزد
و در آن سال میان مهاجر و انصار موافقه کردند پس در ای
که در پیغمبر علیه الصلوة والسلام چون در مدینه آمد در میان

یعنی در روز بزرگم بزرگ
نویسد صحیح